

فرهنگ سازی برای جلوگیری از تخریب و انهدام محیط زیست

حسن تاج بخش

گروه میکروبیولوژی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران-ایران.

(دریافت مقاله: ۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، پذیرش نهایی: ۵ آبان ماه ۱۳۸۶)

چکیده

چهار بنیان اصلی یعنی خاک، آب، هوا، تابش خورشید که بن مایه‌های آفرینشند، باید به حالت سلامت، با معیارهای اعتدال و دوری از پلیدی‌ها و آلاینده‌ها باشند تا محیط زیست، زنده و سرشار باشد، در این صورت تعادل وجودی گیاه، حیوان و انسان برقرار خواهد بود. مهمترین عامل آلوده کننده و تخریب کننده محیط زیست، خود انسان است. محیط زیست مجموعه‌ای بزرگ از اجزاء و عوامل مختلف کنش و واکنش پذیر است که در طی میلیون‌ها سال تکوین و تکامل یافته و هرگونه تغییر و تخریبی در آن، چنانکه شاهد هستیم، نتایج زیان بار و جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. برای این امر وضع قوانین و آئین نامه‌های مناسب و اجرای صحیح و به موقع، ضروری است. ولی از آن واجب تر فرهنگ حفظ محیط زیست است که باید در روح تک تک افراد اعم از توده عادی مردم و با مسئولان رسوخ کرده باشد. اگر افراد به کاری ایمان نداشته باشند با اجبار هم از اجرای صحیح آن سر باز خواهند زد. در قرآن کریم از سجده و تسبیح زمین و آسمان، کوهها، گیاهان، حیوانات و خلاصه آنچه در کائنات است بارها یاد شده و نوعی روح و گویایی برای همه چیز وجود دارد. یا به عبارتی، راز زندگی در جاندار و بی جان نهفته است و جریان دارد. حال که چنین است، این همگان را نباید آزرده و نباید تخریب کرد و برای نابودی محیط زیست، دلیل‌های پنداری و ساختگی نباید تراشید، اگر چنین کنند، خود و نسل خود و نسل‌های آینده را می‌آزارند و در پیشگاه حقیقت باید پاسخگو باشند. انسان با تداوم کوشش و تلاش برای ایجاد زندگی آسان تر و مرفه تر و حمل و نقل سریع تر که همه اگر صحیح انجام شود، می‌تواند مفید باشد، تغییرات زیان آوری را در محیط زیست ایجاد می‌کند و از طبیعت به شدت بهره‌کشی می‌نماید و غالباً محیط زیست را به نابودی می‌کشاند. بهترین بهره‌وری آن است که چنان عمل کنند که تا ممکن است زیان‌های کمتری به محیط برسانند، تا مگر آلودگیها اندک شوند و با پاکسازی‌ها و بازسازی‌ها چرخه محیط زیست را به سامان آرند، نه آنکه آن را از این هم نابسامان تر نمایند.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، آب، خاک، آلودگی‌ها.

فطرت ازلی همه موجودات اعم از جاندار و بی جان است:
وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبِرُونَ (سجده مستحب). النحل، آیه ۴۹

«و مر خدا را سجده کند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از جنبه و فرشتگان، همه بی هیچ تکبر به عبادت خدا مشغولند».

حاج مآلهادی سبزواری، فیلسوف و عارف بزرگ (فوت ۱۲۸۹ ق)، در شرح مثنوی با توجه به این آیه، حیوانات، جمادات، و نباتات را تحت توجه اسماء الهی شمرده و همه را فانی در وجود حق می‌داند: «پس همه لک الوجود و لک الملک می‌گویند بالفطره و این اقرار به ربوبیت و ائست را بلی گفتن است خاصه از جمادات و نبات و حیوان... به علاوه هر جماد و نبات و حیوان صامت در تحت اسمی واقعند از اسماء حسنی و به او فانی اند». و ائست را بلی گفتن اشاره است به آیه ۱۷۲ سوره الاعراف که در آن خداوند می‌فرماید: «آیا من پروردگار شما نیستم همه گفتند بلی به خدایی تو گواهی دهیم».

خداوند کریم در آیه ۱۸ سوره الحج فرماید: اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ يَسْجُدُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ اِنَّ اللّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ: «آیا ندیدی که خدای را سجود می‌کند و فرمان می‌برد هر که در آسمان و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردمان، و بسیاری از مردمان نیز سزاوار عذاب شدند و هر که را خدا خواهد خوار کند، کسی او را گرامی نتواند

آب را و خاک را برهم زدی ز آب و گل نقش تن آدم زدی (۱۹)
چهار بنیان اساسی خاک، آب، هوا، تابش خورشید (آتش)، که همه بنیان آفرینشند، باید به حد اعتدال و پاکی خود و دوری از آلاینده‌ها باشند تا جهان زیست زنده باشد و تعادل وجودی انسان و حیوانات برقرار باشد، همین، تعادل محیط زندگان است (۲۲، ۸، ۳۰۶). به گفته شیخ اجل سعدی چار طبع مخالف سرکش چند روزی بوند با هم خوش چون یکی زین چهار شد غالب جان شیرین بر آید از قالب (۱۳)
محیط زیست خود مجموعه‌ای بسیار بزرگ و درهم پیچیده‌ای از اجزا و عوامل مختلف و برهم اثر گذاری است که در طی میلیون‌ها سال تکوین و تکامل یافته و در بستر آن زندگان از حد یک یاخته تا گیاهان علوفه‌ای و دانه‌ای، درختان، پرندگان، خزندگان، پستانداران و سرانجام سلسله پستانداران یعنی انسان به شکوفائی ادامه داده و امید است نسل امروزین و فرداهای آنان روند تکاملی خود را به سلامت بگذرانند (۲۲، ۱۴، ۵):

به سلامت گذران منزل پیری و مکن

خلعت شیب چو تشریف شباب آلوده (۹)
با جهان بینی اسلام تمام کائنات زنده است و زیست شناسی و علوم طبیعی همه اشیاء را در بر می‌گیرد (۱۷، ۵).

در قرآن کریم از سجده و تسبیح زمین و آسمان، کوهها، گیاهان، حیوانات و خلاصه آنچه در کائنات موجود است بارها یاد شده و نوعی روح و نطق برای همه چیز قائل است. اقرار به وحدانیت خداوندی نه تنها فطرت انسان بلکه



کرد که خدای بزرگ آن کند که خود خواهد.»

خدای بزرگ در آیه ۴۱ سوره النور فرماید: *أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخَرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ*: «نه بینی و نمی دانی که هر کس در آسمانها و زمین است خداوند را می ستاید و پرندگان بالهای خود را در میان آسمان و زمین می گسترند و همگی نماز و سپاس خود را می دانند و می گزارند و آگاه و دانایند.»

از این آیه شریفه و سایر آیات چنین بر می آید که هر چه در آسمانها و زمین است، بی جان و جاندار، همچو پرندگان ستاینده و سپاس گوی خداوندند و به کار خود آگاهی دارند، یعنی ادراک و شعور آفرینش در همه چیز جریان دارد و موجود است (۲۱، ۱۸، ۱۵، ۱۲، ۱۰) به فرمایش مولانا جلال الدین بلخی:

نطق آب و نطق خاک و نطق گل
هست محسوس حواس اهل دل
از حواس اولیا بیگانه است (۱۹)
فلسفی کومنکر حنانه است

پس همه چیز در آفرینش یا به عبارتی دیگر تمام محیط زیست و زیستیان، شعور و احساس و درک و نطق خود را دارند و ثناگوی ایزد بخشاینده اند، آری آنان را نباید آزد، نباید تخریب کرد و برای نابودی محیط زیست دلایل پنداری و ساختگی نباید تراشید، اگر چنین کنی، خود و نسل خود و نسلهای آینده را می آزاری و در پیشگاه حقیقت باید پاسخگو باشی (۶).

تمایز بین ماده زنده و مرده چندان نیست، بلکه هر دو دائماً در حال تحولند و مراحل و تظاهراتی از پدیده حیات و تابش هستی کل بر جهان آفرینشند. حیات نیروی محرکی است که همان نفس نباتی و نفس یا روح حیوانی است و به تعبیر ابوعلی سینا این آخری همان جان است. درجه ای بالاتر از اینها روح نفسانی یا نفس ناطقه یا روح ملکوتی است که در کل کائنات جریان دارد و سلسله جنبان اصلی حیات است و به تعبیر فارابی بر زندگان ریاست فائده دارد، مرئوس خاصی ندارد ولی همه در اختیار اویند. نفس نباتی و حیوانی یا به عبارتی گیاه و حیوان از «نفس کلی عالم» منشاء گرفته اند که از آن مجموع «نظر به حیات» سرچشمه می گیرد. حیات، معجزه وار از بیکران دریای بی حس و مرده بر نمی خیزد بلکه از منشاء و ماده «اولی» که همان وجود ازلی یا به تعبیری «نورالانوار» است برخاسته و پس از طی مسیری طولانی باز به او بازمی گردد. هر مرحله ای از حیات از جماد تا نبات و از حیوان تا انسان به واسطه نمود «نفسی» تازه یا جلوه ای تازه شکل می گیرد که همه جزئی است از نفس کلی عالم یا روح آفرینش. زادگان سه گانه: جماد، نبات و حیوان به هم پیوستگی دارند، به حدی که عالی ترین جماد یک مرحله پایین تر از پست ترین نبات است. بالاترین نبات، یک مرحله پایین تر از پست ترین حیوان است. بالاترین حیوان یک مرحله پایین تر از انسان است. زیست شناسی و حیوان شناسی دوران اسلامی گرچه از سرمایه های کهن ایران و یونان بهره ور است، ولی پشتوانه عظیمی چون قرآن دارد که گیاه، حیوان، انسان، جماد، افلاک را نشانه های عظمت الهی می داند (۱۸، ۱۷، ۱۱، ۵، ۱۰۴).

پس بررسی و غور در این پهنه و جود و نگهداشت آن از آرایش ها و تخریب و نابودی، نگرش و تکریم کتاب آفرینش است؛ علاوه بر این در زندگی روزمره

نیز کاربرد دارد. به همین علت است که در ایران و در سایر ممالک مسلمان، دانشمندان علوم طبیعی همه رنجها را بر خود هموار داشته و در این قسمت در زمان خود گوی سبقت از همگان ربودند و در زمان خویش محیط زیستی سالم و طبیعی زیبا و سرشار از شادمانی داشتند (۴، ۵، ۶).

نگرشی بر وضعیت محیط زیست در چند دهه گذشته، نمایانگر تخریب شدید این محیط به دست انسان و به اصطلاح برای راحتی و زندگی بهتر است که متأسفانه نتیجه عکس داده و خود انسان را در معرض آسیبهای شدید قرار می دهد. آری ادامه آلوده کردن محیط و نابود کردن فضای متعادل زیست، سبب آلودگی شدید جو، کاهش تنوع زیست محیطی، پارگی لایه اوزن و پدیده گلخانه ای می گردد و از همه بدتر، گرم شدن کره زمین، آب شدن یخهای قطبی، افزایش سطح آب اقیانوسها و تغییرات شدید اقلیمی و نابودی کشاورزی با دوام، کم شدن شدید سطح جنگلها و مراتع، به خطر افتادن حیات وحش، از بین رفتن دامپروری طبیعی و سالم را به بار می آورد (۱۴، ۶).

مؤثرترین و مهم ترین عامل ایجاد تغییرات خرابگر زیست محیطی همانا انسان است که با تداوم کوشش و تلاش برای ایجاد زندگی آسان تر و مرفه تر و حمل و نقل سریع تر، تغییرات زیان آوری را در محیط زیست ایجاد می کند. کشاورزی، صنعت، بهره برداری از منابع طبیعی و امکانات زیست محیطی همه می توانند برای بشر مفید باشند ولی این بهره کشی ها نیز همگی می توانند سبب آلودگی و تخریب محیط زیست گردند. بهترین بهره وری آن است که چنان عمل کنند که حتی المقدور زیانهای کمتری به محیط برسد تا مگر آلودگیها اندک شوند و با پاکسازیها و بازسازیها چرخه محیط را به سامان دارند آنکه آن را نابسامان نمایند (۱۴، ۵، ۶).

کره زمین و جوی که آن را احاطه کرده با تمامی کوهها، جنگلها، آبها و بیابانها و همه جانداران ساکن آن در مجموع یک اکوسیستم است و مانند هر اکوسیستمی ظرفیت نگهداری و پذیرش محدودی دارد و نمی توان به دلخواه هر تغییری در آن ایجاد کرد و باز توقع داشت که محیط زیست مناسبی باشد. این گونه فشار و استعمار و استثمار کره زمین که ظاهراً به نفع انسان است، موجب نابودی بسیاری از گونه های حیوانی و گیاهان می گردد. آن وقت است که دیگر این محیط برای انسان نیز زیان آور است. در حال حاضر سالیانه بیش از شش میلیارد تن گاز کربنیک وارد جو زمین می شود. هر سال ۱۷ میلیون هکتار از جنگلهای جهان نابود می شود. یا به عبارتی دیگر، کمابیش هر سال مساحتی برابر کشور اتریش از جنگلهای باقیمانده زمین کاسته می شود. پدیده بیابان زایی هر سال بیشتر و بیشتر می گردد (۱۴، ۲، ۶).

در ایران متأسفانه تخریب محیط زیست شدید است. هر سال به عنوان جاده سازی، خانه سازی، کارخانه سازی و غیره، که همه نیز ممکن است مورد احتیاج باشد، مساحت زیادی از جنگلها و حتی جنگلها و پارکهای که به طور مصنوعی با صرف هزینه های گزاف ایجاد شده از بین می رود. با نابودی و کاهش پوشش گیاهی جنگلها و مراتع، باران که برترین نعمت خداوند برای این سرزمین نیمه خشک است، چون کوه و زمین عاری از پوشش گیاهی شده اکثر آبجای آنکه در عمق زمین فرو رود و سفره های آب زیرزمینی را بارور کند



در حل بنیانی حمل و نقل، که مادر آلودگیهاست، بیشتر توجه نمایند و سرانجام تعادلی بین جمعیت و محیط زیست ایجاد شود که همین یکی از ضروری ترین نیازهای سلامت محیط زیست و سلامت انسان است.

سیل وار خاک را شسته، هر چه در مقابل خود دیده نبود کرده و زیان به بار می آورد. در تاریخ سیستان مندرج است که مملکت سیستان را سدهایی در برابر آب و در برابر باد لازم است، امروزه نیز این گفته برای تمام ایران مصداق دارد (۶،۷).

تهران شهر چنارها بود، در هر گوشه ای از آن دهی و کلاته سبزی خودنمایی می کرد. کوچه ها و خیابان ها و خانه ها پراز درخت بود و تابستان از میان سایه درختان طی طریق می کردند. امروزه باغها و ده های سرسبز را تهران خورده است و بجای درخت از آن آپارتمان های سربه فلک کشیده از عمق زمین سر برآورده است. دیگر اکثر خانه ها درخت ندارند و متأسفانه شهرداریها مجبور نمی کنند که فضایی از این زمینهای سرسبز سابق، به درخت تعلق گیرد. در فصل درخت کاری، در آذر ماه و اسفند، هزاران هزار درخت مخصوصاً در کوچه و خیابانها کاشته می شوند. اما این درختان را بچه های بازیگوش می شکنند، در پای آنها زباله ریخته می شود و از صد، یکی به ثمر نمی رسد. اینجانب در کشور پر جمعیت و فقیری همچون هندوستان و در کشور غنی و پیشرفته ای همچون فرانسه بارها و بارها دیده ام که وقتی درختی در کوچه و خیابان خشک شد به جای آن طبق اصول درخت کاری، درخت می کارند، آن را حمایت می کنند و دورش را نروده می گیرند؛ درست آن را مثل نوزاد، قنداق می کنند و از گزند حوادث مصون می دارند تا خود، درخت مقاومی شود، یعنی حدود ده سال مرتباً مواظب آتند. در فکر ساکنان رسوخ داده اند که درخت را باید حفظ کرد نه آنکه نابود نمود. در فضای تهران بزرگ درختهای کهن نابود می شود، انصاف را، به این کوچه و خیابانها نظر افکنید، می بینید که در بیشتر جایها آسفالت تا طوقه درخت بالا می آید و یا اگر لطف کرده باشند، باریکه ای چون چشم حسود تنگ نظران برای درخت کهن زیبا باقی می گذارند. آیا نمی دانند که درخت باید حداقل زمینی برهنه برای نفس کشیدن داشته باشد!

پدیده وارونگی هوا، یا به عبارتی ساکن شدن هوا و باد نوزیدن، در اساس، یکی از مواهب برای شهرهای نیمه کویری همچون تهران است. بدین ترتیب که در این گونه شهرها زمان اصلی بارش، ماه های آذر تا اسفند است. در این زمانها گاهان بسیاری باد نمی وزد و هوا ساکن می گردد تا هر ابری که از هر طرفی به آسمان این سرزمین تشنه می رسد در جا باقی بماند تا ابرهای دیگر نیز به مدد آن بیایند و سرانجام باران بیارد. اما در این فاصله هوای مصنوعاً آلوده در جا باقی می ماند، نفس در سینه ها تنگ شده و هوا زهر آگین می شود. در صورتیکه تا چهل - پنجاه سال پیش از این که هوای آسمان شهر ما آلوده نبود، چنین زیان مرگباری نداشت. این یک نمونه عیان از آسیبهای برهم خوردن محیط زیست است (۶).

رشد جمعیت در شهرها، فضای مسکن می طلبد و این نیاز را باید از زمین گرفت، زمینی که مخصوص کشاورزی و باغ است، اکسیژن ایجاد می کند و نفس کش شهرهاست. به شمال تهران و روستاهای تازه شهر شده یا نیمه جان آن بنگرید تا خود حدیث مفصل از این مختصر بخوانید. امید است سیاست گزاران مملکت در حفظ محیط زیست، بهتر بکوشند،

References

۱. ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله: معراج نامه، مقدمه و تصحیح نجیب مایل هروی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۵.
۲. براون، لسرر. وضعیت جهان محیط زیست، ترجمه حمید طراوتی، نشر آروین، تهران ۱۳۷۲.
۳. تاج بخش، حسن: تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد ۱: ایران باستان، چاپ ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۴. تاج بخش، حسن: تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد ۲: دوران اسلامی، چاپ ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۵. تاج بخش، حسن: سیر تحول علم در اسلام و ایران، انتشارات کنگره بین المللی علم و تکنولوژی، تهران ۱۳۷۲.
۶. تاج بخش، حسن: یاداشتهای چاپ نشده.
۷. تاریخ سیستان: تالیف حدود ۴۴۵ - ۷۲۵ قمری، تصحیح ملک الشعراء بهار به همت محمد رمضان، چ ۲، موسسه خاور، تهران ۱۳۵۲.
۸. جرجانی، سید اسماعیل: الاغراض الطبییه و المباحث العلائیه، جلد ۲، تصحیح و تحقیق و تالیف فرهنگ اغراض طبیی به کوشش حسن تاج بخش، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵.
۹. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد: دیوان حافظ به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ گراوری، تهران ۱۳۲۰.
۱۰. رازی، شیخ ابوالفتوح: تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ج ۳، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم ۱۴۴۰ ق.
۱۱. رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء (گزیده)، ترجمه علی اصغر حلبی، کتابفروشی زوار، تهران ۱۳۶۷.
۱۲. سبزواری، حاج ملاهادی: شرح مثنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی، چاپ سنگی، تهران ۱۲۸۵ ق.
۱۳. سعدی شیرازی، شیخ مصلح بن عبدالله: گلستان، در کلیات سعدی، تصحیح فضل الله بن محمد بن یوسف، چ سنگی، مطبعه ناصری، بمبئی، ۱۳۰۹ ق.
۱۴. شریعت، سید محمود؛ منوری، سید مسعود: مقدمه ای بر ارزیابی اثرات زیست محیطی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۵.
۱۵. طبری، محمد بن جریر: ترجمه تفسیر طبری، فراهم آمده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰ - ۳۶۵ ق)، هفت جلد، تصحیح حبیب یغمائی، چ ۲، انتشارات طوس، تهران ۱۳۵۶.
۱۶. فارابی، ابونصر: آراء اهل المدینه الفاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۵۴.
۱۷. فرای، ر. ن: تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد ۴، ترجمه حسن انوشه، چ ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۸. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، بنیاد نشر قرآن، تهران ۱۳۶۷.
۱۹. مولوی، جلال الدین محمد بلخی: مثنوی معنوی، تصحیح رینولد ا. نیکلسون، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۲.
۲۰. مولوی، جلال الدین محمد بلخی: کلیات دیوان شمس تبریزی، چ ۸، تهران،



۱۳۶۰.

۲۱. میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین: کشف الاسرار و غده الابرار (معروف به تفسیر
خواجه عبدالله انصاری)، ده جلد به اهتمام علی اصغر حکمت، چ ۲، امیرکبیر،
تهران ۱۳۵۷.

22. Tadjbakhsh, hassan: History of human and veterinary
medicine in Iran; Fondation Mérieux, lyon, 2003.



CULTIVATING PEOPLE FOR PREVENTING ENVIRONMENTAL DESTRUCTION

Tadjbakhsh,H.^{1*}

Department of Microbiology, Faculty of Veterinary Medicine, University of Tehran, Tehran - Iran.

(Received 21 April 2007 , Accepted 27 October 2007)

Abstract:

The fundamental elements of nature, namely earth, water, air and sunshine should be in a healthy state, well balanced with the criteria of equilibrium and untainted so that the environment would remain pleasant and lively. Hence, there will be plant, animal and human in a existential balance. Man himself is the major polluter and destructor of environment. The environment, in turn, is a large collection of elements and a variety of active and reactive factors, developed and evolved for millions of years. As we are witnessing, any disturbance and destruction of nature has unreparable and harmful consequences. The protection of environment from man's disturbance calls for formulating appropriate regulations and rules and their right and timely enforcement. Yet, it is more important to cultivate the protection of environment in each and every individual including the laypeople and authorities. If we do not believe in what we are doing, we will fail to do what we are obliged to do. In the Holy Quran, frequent mentions have been made of the prostration of the earth, heaven, mountains, plants, animals and whatever exists in the universe. A type of spirit and expressiveness exists in everything. In other words, the secret of life is hidden in the living and the lifeless. Be it as it may, we should not disturb and destroy none of these things, neither should we find theoretical or artificial justification for the destruction of environment. Otherwise, we will disappoint the present and future generations, and will be responsible for our deeds against the truth. Man continues to strive to make a better and more convenient life for himself and to develop faster vehicles. If these are down properly, they will be useful for him but exploiting the environment is often destructive. The best productivity is to use the resources in a way that it would be less destructive and the environment is untainted minimally and that restoration and reconstruction cycles revive the environment rather than destroying it.

Key words: eEnvironment, water, soil, pollution.

*Corresponding author's email: h.taj@ut.ac.ir, Tel: 021-61117050 , Fax: 021-66933222

